

صلح و یا سقوط؟



میر عبدالواحد سادات

هوشدار و هشدار ای هموطن عزیز:

اظهر من الشمس است که صلح شرط بقای افغانستان و مبرمترین نیاز مردم به عزا نشسته ما میباشد . بدینرو پرداختن به کم و کیف صلح مکلفیت هر افغان در داخل و خارج کشور میباشد . خوب است ، قبل از آنکه کشتی شکسته ما در گرداب طوفانزایی حوادث غرق گردد ، بر اساس منافع و مصالح علیای افغانستان این سوال را مطرح نمایم که :
افغانستان عزیز ما در آستانه گذار بشاهراه صلح و یا سقوط قرار دارد ؟
پاسداری همیشگی من از " انقلاب امید " مانع ابراز تشویش و نگرانی من نخواهد گردید .
مواردی را که من دیشب بعد از شنیدن مصاحبه آقای خلیل زاد با تلویزیون طلوع یادداشت نمودم ، بمثابه نگرانی جدی خود از ، " توافق " مطروحه با هموطنان عزیز شریک میسازم :
درین نه ماه آقای خلیل زاد پیوسته این موضوع را به تکرار مطرح و خاطر جمعی داده است که :
" روی هیچ چیز موافقه نمیشود تا بر هر چهار مورد توافق صورت نگیرد "
اکنون خلاف تعهد موضوعات را دو قسمت نموده و با توافق بر دو مورد " موافقتنامه " را " امضا " مینمایند .

البته چگونگی مذاکرات و بحث بر مواردیکه ناقض حق حاکمیت ملی افغانستان است ، منجمله رهایی محبوسانیکه بر طبق قانون و توسط محاکم افغانی محاکمه گردیده اند ، ایجاب بحث جداگانه را مینماید .
آقای خلیل زاد و همچنان وزیر خارجه امریکا چندین بار تکرار نموده اند که ما ، نه بخاطر بیرون کردن قوا ، بل بخاطر صلح مذاکره مینماییم .

اکنون و برخلاف بخاطر مصالح کمپایی آقای ترامپ بر بیرون رفت قوا در احوال تاکید دارند که افغانستان اماج تروریسم و تشدید جنگ اعلام نشده پاکستان قرارداد . آقایان خلیل زاد و پامپیو چندین بار گفته اند که :

هدف ما از مذاکرات کشاندن طالبان به مذاکرات با دولت افغانستان میباشد ، در حالیکه صحبت از نهای شدن توافق میشود ، طالبان کماکان در موضع قبلی شان بخاطر عدم مذاکره با دولت پافشاری مینمایند .
در حالیکه بر اساس تجارب جهانی و تیوری حل منازعات ، مذاکرات فقط در وجود دو طرف جنگ

(دولت و طالبان) معنی دارد و متاسفانه در افغانستان نشست های تفاهمی را با مذاکرات مغالطه مینمایند.

البته این مذاکرات غیر مشروط بخاطر دستیابی به صلح مشروط انجام میابد و صلح که قیمت دارد ، توسط جوانب درگیر قیمت ان مشخص و هردو طرف باید انرا بپردازند و مسایل مربوط به نوعیت رژیم سیاسی و نظام حقوقی و ... نیز در همین مذاکرات میتواند مورد بحث قراردادده شود.
آتش بس باید در صدر اجندا قرار میداشت و در حالیکه متاسفانه مردم بیگناه و اهالی ملکی اماج دهشت و کشتار قراردارند و جنگ تشدید بیسابقه یافته است ، آقای خلیل زاد در " موافقت نامه " از آتش بس قسمی و محلی صحبت نمود که اشکارا به معنی تداوم جنگ و خونریزی میباشد.
آتش بس باید بمثابه خواست همگانی و نیاز اصلی مردم مظلوم و به عزا نشسته باید پیشتر هر نوع توافق با طالبان و سراسری مطرح گردد.

آقای خلیل زاد اعتراف نمود که " موافقت نامه " با امارت اسلامی طالبان میباشد . پروسه بزرگ نمایی و قباحت زدایی از طالبان که با اشتیاق توسط جلابان سیاسی افغان در مسکو و لاهور انجام بافت ، اکنون به رسمیت دان حاکمیت امارت طالبان منجر میگردد که به معنی حضور دو حاکمیت با سیستم های سیاسی و نظام حقوقی متفاوت در يك سرزمین میباشد.
این موضوع که بظاهر ساده و دو حاکمیت و در حضور وسیع داعش در شمال و شرق کشور و موجودیت گسترده مافیایی مواد مخدر و معادن و هزاران تفنگبندست بی بند و بار جهادی و ... در عدم حضور عساکر امریکا ، زمینه ساز اشوب و ملك الطوائفی میگردد.
البته آقایان ترامپ ، پامپیو و خلیل زاد بیاد داشته باشند که در قبال افغانستان تعهد حقوقی و اخلاقی دارند که عدم الزام به ان ، دولت امریکا را بمثابه اشغالگر ثبت تاریخ مینماید.

با حرمت